

صورت مشروح

مذاكرات مجلس

بالضمام متن قوانین

سه شنبه ١٧ تير ماه ١٣١٤ - ٧ ربيع الثاني ١٣٥٤

قیمت اشتراك } سالیانه
داخله : ٧٠ ريال
خارجه : ١٠٠ ريال
تک شماره : دو ريال

مطبعة مجاس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۴ ✱ (۷ ربیع الثانی ۱۳۵۴)

فهرست مطالب

- (۱) تصویب صورت مجلس
(۲) شور لایحه ترقی سرمایه بانک ملی

(۳) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای حاج میرزا حسن خان اسفند یاری تشکیل گردید)

صورت مجلس پنجشنبه ۱۲ تیر ماه را آقای مؤید احدی (منشی) قرائت نمودند ✱✱

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (اظهاری نشد)
صورت مجلس تصویب شد

۲ - شور لایحه ترقی میزان سرمایه بانک ملی

رئیس - کمیسیون قوانین مالیه خبری تقدیم مجلس شورای ملی کرده است که بعرض آقایان میرسد

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین مالیه با مشارکت کمیسیون پارلمانی بودجه و باحضور آقای وزیر مالیه لایحه نمره ۱۵۵۴۷ دولت را راجع ببانک ملی ایران مطرح و مورد مطالعه قرار داده پس از توضیحاتی که آقای وزیر مالیه بیان نمودند بالاخره مواد پیشنهادی مورد تصویب واقع و علیهذا خبر آنرا تقدیم مجلس شورای ملی مینماید

رئیس - عین مواد پیشنهادی دولت قرائت میشود
ماده اول - سرمایه بانک ملی ایران به (۳۰۰ میلیون) ریال ترقی داده میشود که هفتاد و پنج و یک سوم در صد آن بقرار ذیل محسوب و پرداخته خواهد شد

الف - هشت میلیون ریال که سابقا نادیده شده است

ب - ۲۵۰۳۵۰۴۰۶ - ۲۱۶۸۰۶ ریال از بابت قیمتات

۳۹ - ۱۵۸۷۵۳۹۵ کرام طلای خالص دولت (موضوع

قانون ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۳) بشرح قانون ۲۲ اسفند

ماه ۱۳۱۰

ج - ۷۵ - ۱۱۹۳۵۶۴ ریال از محل منافع خالص

بانک ملی از بدو تاسیس آن که در ظرف چند سال بدولت

تعلق گرفته و بموجب ماده ۴ قانون مصوب ۱۴ اردیبهشت

۱۳۰۶ برای افزایش سرمایه تخصیص داده شده بود

✱ عین مذاکرات مشروح دهمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

✱✱ اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : نازی - شیرازی - اعظم زنگنه - مهمل - زوار - بیات ماکو - نرانی
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر ادم - لیلوانی - مرانی

ماده دوم - مواد ۲ و ۳ و ۴ (باستثنای تبصره ماده ۴) و ۷ و ۹ و ۱۳ و ۱۴ قانون اجازه تاسیس بانک ملی ایران مصوب چهاردهم اردیبهشت ۱۲۰۶ نسخ می شود

ماده سوم - این قانون پس از تصویب مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذاشته می شود

رئیس - يك مطلبی بنظر بنده رسیده اگر اجازه میفرمائید قبل از ورود در کلیات عرض کنم وقتی در نظر دارم که دولت برای آذربایجان مجبور بود يك مامورینی بفرستد و بنده خدمت مالی را در عهده داشتم و خزانه دار کل مسیوم ورنارد بود وجهی برای فرستادن مامورین لازم بود فرستادم او را آوردند و از او خواستم که زودتر تدارک این وجه را بکنند که برای دولت اسباب تاخیر نشود به بنده صریحاً بفرانسه گفت که (بازن سو) یکشاهی نیست البته پس از اینکه این مسئله را به بنده گفت آن حالتی را که برای بنده دست داد نظیرش را ندیدم آن حالت یاس و تأثر بواسطه وضعی که در آذربایجان بود که دولت مکلف بود اقداماتی بکنند اگر چه بعد از استعفاء او بلافاصله رفع آن نگرانی شد اما بسا حوائج که داشتیم که همینطور معوق و معطل بود حالا امروز این لایحه را می بینم بایستی واقعاً تمام ایران تبریک بگوئیم (صحیح است) که خداوند متعال به بخت و ارسال يك وجود بی نظیری که با عزم ثابت و قوت رأی و احاطه تمام بخیر و سعادت مملکت خودش در مدت کمی با يك رجال معظمی که واقعاً وظایف خودشان را کاملاً بعمل آورده کار را به جایی رسانیده اند که ایران امروز میتواند سی میلیون تومان طلا برای سرمایه ذخیره بانک خودش بگذارد (صحیح است - صحیح است) بر همه ایرانیها فرض است که واقعا تشکر نعمت این وجود مبارک و دولت معظمی که واقعا آبی در خدمت مملکت فروگذار نمیکنند قدردانی کرده و بقاء و عظمت ذات شاهنشاهی را برای خیر و سعادت این مملکت از خدا بخواهند که کارهای خیلی بزرگتری انشاء الله انجام داده شود (صحیح است - صحیح است) شور در کلیات است، آقای روحی

روحی - عرض کنم این لایحه که بمجلس شورای ملی آمده است بمقیده بنده یکی از بهترین لواجیحی است که باعث مباحثات دوره دهم تقنینیه است و نوید میدهد اصلاحات خیلی بیشتری را از آنچه که شده است در مملکت و واقعا همه ما بنوبه خودمان در قسمت این قانون شکر گذاری می کنیم و نسبت بترقی مملکت امید واری بیشتری نسبت بآنچه که تا بحال داشته ایم پیدا کرده ایم فقط من خواستم از آقای وزیر مالیه استدعا کنم همانطور که در کمیسیون توضیحات بیشتری در خصوص این قانون دادند و آقایان اعضاء کمیسیون بودجه و قوانین مالیه مسبوق شدند این جا هم برای اینکه ذهن آقایان محترم باین قانون آشنا بشود و فوائد آنرا بدانند يك توضیحاتی در این باب بفرمایند.

وزیر مالیه (آقای داور) - در کمیسیون بعضی از آقایان يك توضیحاتی از بنده راجع باین لایحه خواستند بنده جواب دادم و حالا که نماینده محترم تقاضا میکنند در مجلس هم توضیحاتی در این خصوص داده شود این است که البته قدری مختصر تر این جا هم تکرار می کنم:

اولا از بنده سؤال شد که وضعیت این قانون با قانونی که در بیستم شهریور ۱۳۱۳ گذشته و بموجب آن طلاهای دولت بذخیره انتقال داده شده است چه خواهد شد؟

بنده توضیح دادم با آقایان که دولت در آن موقع اجازه گرفت که طلای خودش را بذخیره اسکناس بگذارد و انتقال بدهد باینکه نه بخشیده بود مالک طلا در حقیقت خود دولت بود منتهی طلائی که در آنجا گذاشته بود امانت بود و در مقابلش اسکناس هم نگرفت مثل اینکه آقایان دیگر هم هر کدام يك مقدار طلا یا يك مقدار نقره ببرند باینکه اسکناس بگیرند آن را در ذخیره اسکناس میگذارند آن طلاها یا نقره ها و این طلا و نقره هایی که در آنجا هست بالاخره ذخیره میشود از برای مجموع اسکناسهایی که در

دست مردم است و بالاخره مجموع را میگوئیم این ذخیره متعلق است باشخاصی که اسکناس در دست دارند. اما دولت وقتی که طلا را در ذخیره گذاشت از مالکیت آن صرف نظر نکرده بود و حق داشت دولت که آن طلائی را که آن جا میگذارد يك مقداری اسکناس بگیرد مطابق قانون آنوقت آن مقدار اسکناس را حق داشت یا صرف کند یا خودش خرج کند ولی البته این نظر را دولت نداشت، یا اینکه بدهد باینکه به قرض و الا هیچ راه دیگری نداشت و نمیتوانست که این طلا را صرف نظر کند. این بود که امانت داد بذخیره خوب این مال کی می شد؟ مال بانک که نمی شد مال خود دولت بود در همان موقع هم خاطر می آید که یکی از آقایان نمایندگان یا در مجلس یا کمیسیون از من پرسیدند خوب چه وضعیتی پیدا میکند این طلائی را که می دهیم بانجا؟ گفتیم بعد دولت يك قراری با بانک خواهد گذاشت. بعد بموجب آن قانون دولت آمده است طلای خودش را از حساب معمولی و عایدات خودش در آورد و بعنوان امانت بگذارد و آمد اجازه گرفت که این را بتواند در حقیقت امانت بگذارد در بانک مثل اینکه هر يك از افراد هم میتواند پول خودش را امانت بگذارد و در مقابلش اسکناس بگیرد بعد بهتر دیدیم که ذخیره سرمایه بانک را اضافه کنیم و مالکیت این طلاها را هم بطور قطع واگذار کنیم باینکه یعنی عوض اینکه دولت مالک آن طلاها بود حالا در ذخیره اسکناس خود بانک در آید یعنی البته اگر بانک بخواهد از این استفاده عملی کند و اسکناس بگیرد در عوض این را میگذارد در ذخیره مثل اینکه عرض کردم هر کس دیگری که يك سرمایه فلزی دارد و بخواهد از آن استفاده کند میدهد باینکه اسکناس بگیرد و می گذارد فلزش را در ذخیره اسکناس بانک نخواهد نگاه می دارد جزو دارائی خودش یا يك مقدارش را ذخیره میکند و يك مقدارش را استفاده می کند. تمامش را خواست تمامش را اصل مطلب را که نگاه کنید عبارت از اینست که آن طلائی که بموجب آن قانون در ذخیره اسکناس بانک گذارده شده بود متعلق بدولت بود دولت امروز مالکیتش را انتقال

میدهد و میدهد باینکه و این را البته بعنوان سرمایه میدهد و بخشش نمی کند بانک يك سرمایه داشت که در سابق بیست میلیون ریال بود که چهل در صدش پرداخته شده بود و در ابتدای امر هم البته کافی بود برای احتیاجات ولی مسلم است که معاملات امروزه بیشتر است عملیاتی که میشود واقعاً خیلی بیش از آن چیزی است که در سابق بود میزان پولی که در جریان است خیلی فرق کرده است با چند سال پیش بنده گمان میکنم فقط اگر شما بمخارجی که مؤسسات دولتی میکنند نگاه کنید همین میلیونهاست که دولت در سال مبالغی از طرفی میگیرد و از طرفی خرج میکند عایدات و مخارج را در نظر بگیرید و کارهایی که دولت میکند و ساختمانهایی که بلدها و مؤسسات می کنند و بالاخره سایر کارهایی که افراد می کنند کارخانجاتی که میآورند معاملات که میشود طبیعتاً هر قدر معامله بیشتر بشود پول و اعتبار هم باید بیشتر بشود و طبیعتاً است که در يك همچو وضعیتی سرمایه بانک ملی با بیست میلیون ریال که چهل در صد آن پرداخته شده باشد کافی نیست این بود که دولت آمد و این تصمیم را گرفت که این طلاها را بدهد باینکه و بر سرمایه بانک بیفزاید و البته این مسئله هیچ بقانون پول و بحساب ذخیره تأثیری نخواهد داشت یعنی اینکه: همانطور که دولت یا سایر افرادی توانند سرمایه فلزی خودش را در ذخیره بانک بگذارد و اسکناس هم بگیرد بانک هم هر وقت بخواهد بکند می کند ولی حساب ذخیره مطابق آن حسابی که بوده است هست که فلان مقدار ذخیره را که داشته باشد فلان مقدار ذخیره فلزی داشته باشد چه اندازه باشد بچه نسبت و چطور باشد تمام آن مقرراتی که بوده است همه بجای خودش است فقط عرض کردم مالکیت این طلا بموجب این قانون تغییر می کند. در این ضمن این را هم عرض کنم که البته يك مبلغ مختصری هم از منافع سنوات قبل از ۱۳۱۲ بانک است که ۱۱۹ هزار و خورد و تومان میشود مانده بود که آن هم بموجب قانون برای افزایش سرمایه بانک

تخصیص داده شده بود و بایستی سرمایه بانك اضافه کنیم ولی تصدیق بفرمائید که این يك مبلغ مهمی نبود که ما بیائیم و يك روز مجمع عمومی را تشکیل بدهیم و بخواهیم يك سال پنجاه هزار تومان يك سال سی هزار تومان و یکسال سی و نه هزار تومان مثلاً سرمایه اضافه کنیم و بعنوان اضافه کردن سرمایه در مجمع طرح کنیم این بود که این منافع این سنوات اولیه جمع شد در يك حساب مخصوص و امروز که می خواهیم سرمایه بانك را اضافه کنیم و يك مبلغ مهمی بهش بدهیم که در حقیقت آبرومند است آن ۱۱۹ هزار تومان و خورده یا يك میلیون و صد و نود و سه هزار و خورده ریال را هم که مانده بود از منافعش آن را هم میدهیم که مطابق قانون سابق اضافه شود بر سرمایه اش این خلاصه مطلبی است که لایحه میخواهد بگوید. ضمناً يك نکته را هم توضیح خواستند بنده هم دادم در خود لایحه هم نوشته شده است و آن راجع است به قیمت طلا در لایحه ملاحظه کردید ما آمدیم و طلائی خریدیم که ۳۹۵ ر ۸۷۵ ر ۱۵۰ گرام و خورده گرام است بيك مبلغی که برای دولت سه میلیون و صد و پنجاه و شش هزار و شصت و هشتاد لیره و هشت شلینگ و چهار پنس تمام شده بود که از خارج خریدیم بملاوه دو میلیون و دوست و سی و هفت هزار و هشتصد و هفتاد و چهار ریال و شصت دینار برای اینکه مقدارش هم در داخله خرید شده. اگر نرخ لیره را در آن اوقات حساب کنیم حد متوسطش تقریباً همان هشت تومانی میشود که نوشته شده بنابراین این طلاهایی را که امروزه انتقال میدهیم بیانك از برای دولت در حدود ۲۵۰ میلیون ریال تقریباً تمام شده است. در این جا ممکن بود که ما بیائیم و بهمان حساب بگذاریم و بگوئیم که بهمان مبلغی که برای ما تمام شده است بهمان مبلغ بگذاریم ولی این البته بر خلاف نرخ بود که قانون معین کرده است برای طلاست بنقره. قانون ۱۲۱۰ معین کرده است که هر چهار گرام و چهارده صدم گرام نقره معادل است با هفت صدم گرام و يك مقدار مختصری

دیگر طلا و اگر ما بخواهیم این نسبت را حفظ کنیم نسبت بطلا آنوقت طلاها را بحسابی که از برای مان تمام شده است نمی توانستیم بدهیم برای اینکه طلا از برای ما بیشتر تمام شده است. دولت در این جا این طور تشخیص داد که در حدود چهل میلیون ریال از برای ما ضرر است یعنی جنسی که از برای ما تمام شده است قریب به بیشتر از چهل میلیون ریال این را ما می آوریم و چهل میلیون ریال کمتر می فروشیم یا تقویم می کنیم ولی معیناً از برای اینکه آن قانون بهم نخورد یعنی آن نرخ قانونی باقی باشد و حساب ذخیره اسکناس هم از حیث فلز يك حساب محکمی باشد ما خیال کردیم که از آن تفاوت باید صرف نظر کرد دولت چقدر خریده آرا کار نداشته باشد ولی آن اندازه که نرخ قانونی بوده است آن را حساب کنید یعنی هفت صدم و خورده طلا را حساب کنید و هر هفت صدم و خورده طلا را حساب کنید که با يك ریال نقره که مطابقت با آن قانون هم بکند يك ریال نقره و معلوم کنید در ضمن هم خود بنده در کمیسیون توضیح دادم ضرری هم ندارد که سایر آقایان بدانند در مورد دیگر از طلاهایی که بانك خریده بود همین کار را خواستیم بکنیم یکی طلائی است که بموجب قانون سال گذشته اجازه گرفتیم از مجلس که علاوه بر نرخ قانونی بانك در داخله بخرد آقایان اطلاع دارند طلا بموجب نرخ قانونی گمان میکنم در آن اوقات در حدود ۶۲ ریال باشد و يك مقال کسی بیانك نمی فروخت برای آنکه قیمتش در خارج بیشتر بود و قاچاق میکردند پس بهتر دیده شد که صرف نظر از آن نرخ قانونی و علاوه بر آن نرخ قانونی طلا خریده شود این اجازه از مجلس گرفته شده حتی در آن قانون اگر نظر آقایان باشد نوشته شد که علاوه بر آن بخرد بحساب ذخیره اسکناس بگذاریم معنایش هم این بود که یعنی بخرد و بهمان قیمتی که تمام شده بحساب ذخیره اسکناس بگذاریم ولی معیناً ما این کار را نکردیم طلا را بیشتر خریدیم شاید هفت تومان و هفت تومان و دو قران

خریدیم ولی با بانك قرار گذاشتیم که بهمان نرخ قانونی که معین شده بود بحساب بگذاریم نرخ قانونی در آن موقع شش تومان و دو ریال بوده است خوب در اینجا در هر مقال يك تومان ضرر است چندین خروار هم خریده است خوب این چندین خروار هر مقالش می شود يك تومان که در هر مقال ضرر کرده است در این چندین خروار هر يك مقالش باید يك تومان بدهد این ضرر را کردیم دولت از منافعی که باید از بانك بگیرد میباید قرار می گذارد با بانك که بانك طلائی را که بقیمت گرانتری خریده است بقیمت قانونی که ارزاتر است بحساب ذخیره اسکناس بگذارد و آن تفاوت و ضررش را از دولت بگیرد دولت در مقابل آن منافعی که دارد و از بانك باید بگیرد از آن منافعی که دولت این ضرر را بدهد بطوری که از يك قسمت از عایداتش خلاصه صرف نظر کند ولی ذخیره اسکناس را بيك حالت ثابت بگذارد که روز بروز تفاوت نکند همین عمل را آمدیم و کردیم نسبت بيك مقادیر بیشتری طلائی که از خارج بانك خریده بود البته از برای این نبود که بحساب ذخیره اسکناس گذارده شود معامله کرده بود ولی او را هم دولت در نظر گرفته بود که بیاورد اینجا و بحساب ذخیره اسکناس بگذارد ولیکن نرخ را که قانون معین کرده است و تفاوت ضررش بیشتر از آن نبود که در داخله تهیه کرده است و آن تفاوت قانونی را هم از منافع خودش بدهد که خلاصه این عمل باین ترتیب باشد که اساس حساب ذخیره بانك را همیشه مطابق همان نسبی که قانون بین طلا و نقره معین کرده است نگاهداریم و در آتیه هم وقتی که طلا بانك بخرد در داخله وزارت مالیه با بانك قرار می خواهد داد که برخی که مصلحت میدانند مثل اینکه الان نرخ می خورد بیش از آن نرخ قانونی می خورد و بعدی که لازم بداند ولیکن همیشه بقیمتی که قانون معین کرده است بحساب ذخیره میگذارد و بعد هم همیشه از منافعی که دولت از عملیات بانك دارد از آن محل ضررش را جبران خواهد کرد با این ترتیب بانك ذخیره خواهد داشت که

آن نرخ قانونی را بهم نمیزند از طرف دیگر بواسطه آن نرخ قانونی مانع اینست که در اغلب مواقع بشود فلز زرد خرید آمدیم راهی پیدا کردیم از برای اینکه طلا بتوانیم بخریم و دولت خلاصه از آن منفعتی که از بانك داشته است تا حدی که میشود جبران بکنند کرده است این خلاصه عملی است که راجع بقیمت طلا که از حیث سرمایه بیانك داده میشود خواهد شد و از حیث طلاهایی است که در داخله خریده است یا در آتیه بخرد از خارجه یا داخله و بحساب ذخیره اسکناس می گذارد. حالا هم اگر آقایان باز توضیحاتی میخواهند عرض کنم

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - اگر چه توضیحات آقای وزیر مالیه در این قسمت بقدری کامل بود که بنده تصور می کنم که دیگر در اطراف قضیه هیچ حرفی نیست لیکن يك یادداشتی به بنده رسیده بدون امضاء که بنده لازم دانستم که يك توضیحی عرض کنم و آن این است که سؤال کردند که دولت اگر طلای خودش را از بانك برداشت اعتبار اسکناس چه میشود اولاً بنده خواستم عرض کنم که این موضوع مربوط بذخیره اسکناس نیست همانطور که در جلسه قبل آقای فرشی توضیح دادند و در تمام جرائد هم بود و بنده هم توضیحاتی دادم اسکناس آن مبلغی که بر حسب قانون الان در جریان است یا در صندوقهای ذخیره بانك است تقریباً چهل و دو میلیون و خورده است یعنی چهارصد و بیست میلیون آن ذخیره اش عیناً موجود است مربوط باین طلا نیست (آقای وزیر مالیه توجه فرمودند) عرض کردم یکی از من سؤالی کرده بود در تحت يك یادداشتی که اگر طلای دولت را بردارند ذخیره اسکناس چه خواهد شد. بنده خواستم عرض کنم و يك توضیحی بدهم که این ابتدا مربوط به آن نیست آن مبلغی که بر حسب قانون الان در جریان است از چهل و چند میلیون بیشتر است و مطابق قانون پول در خزانه موجود است و آن طلا غیر از این طلاست و طلائی است که دولت

خریده است بهمان نرخی که آقای وزیر مالیه فرمودند مربوط بذخیره نبود و امانت دولت بود حق در بانک میا کرده بود که حق الحفظه از دولت بگیرند امانت بود حالا دولت این طلای خودش را جزء سرمایه بانک می گذارد و اگر بانک خواست اسکناس زیاد تری منتشر بکند البته از این طلای می گذارد جزء ذخیره علی ای حال ذخیره اسکناس ابدأ مربوط باین طلا نیست و آن ذخیره اش موجود و کامل است

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشامزاده - کر چه فرمایشات مقام محترم ریاست همه نمایندگان را بی نیاز کرد از اینکه در موضوع اقدامات و عملیاتی که برای ترقی اقتصادی مملکت شده است عرض کرده و از این حسن اقدامات تشکر کنند فقط يك مسئله بود که محتاج بود به اینکه توضیحات بیشتری داده شود که يك اشتباهاتی که بنده خودم کرده بودم و به حضرت آقای وزیر مالیه عرض کردم و توضیحی که فرمودند بنده را قانع کرد و می خواستم مجدداً توضیحی بفرمایند زیرا که ممکن است سایر آقایان هم این اشتباه را کرده باشند قانع شوند مطابق این لایحه دولت بکمقدار طلائی را که بر طبق قانون که چندی قبل تصویب شد و بموجب آن قانون اجازه داده شد که بکمقدار از اسکناس منتشر شود این طلاها ذخیره آن اسکناس بوده است و حالا آن طلاها بر می گردد و بصورت سرمایه بیانک ملی اضافه شود این اشتباه ممکن است بشود که مطابق آن قانون این طلاها ذخیره بود از برای اسکناسها و حالا که آن طلاها از صورت ذخیره خارج شده است و بصورت سرمایه بانک در آمده است ممکن است که این طلاها به يك مصرف دیگری جز مصرف ذخیره اسکناس برسند می خواستم این مطلب را در اینجا سؤال کرده باشم که آقای وزیر مالیه توضیح بفرمایند که رفع اشکال و اشتباه بشود که این طلاها ولو بصورت سرمایه بانک در می آید ولی باز ذخیره طلائی است که بانک بر می دارد از خزانه خودش و باین می اندازد

وزیر مالیه - اول آقایان خوبست توجه کنند باینکه قانون راجع باسکناس چه می گوید می گوید بکمقدار اسکناس را می شود منتشر کرد ولیکن شرطش این است که صدر صد در مقابل آن ذخیره باشد آنوقت در مقابل يك اشخاصی پول نقره داشتند بردند دادند يك اسکناس هائی گرفتند و بکمقداری بانک طلا خرید بکمقداری نقره خرید اینها را گذاشت مطابق آن قانون گفت هر مقداری که ما می خواهیم اسکناس داشته باشیم باید پشت سرش يك چیزی باشد آمدیم گفتیم که قسمت فلزی تنهائش لا اقل ۶۰ در صد باشد خود قانون هم می گوید که اسعار باشد و فلز باشد ولی قسمت فلزی آن باید شصت در صد لا اقل باشد این عمل شد يك روزی دولت آمد خیال کرد که مقدار بیشتری لازم است اسکناس تهیه شود برای اینکه این مقداری که هست الان کافی نیست آمدیم اجازه این را گرفتیم که يك اسکناس بیشتری طبع کنیم آنرا قانون را بهم زدیم ؟ و گفتیم ذخیره نباید داشت ؟ نخیر. ضمناً دولت هم آمد و گفت منم بکمقدار طلا دارم اینمقدار طلای خودم را قرار میگذارم در ذخیره. آیا این مال کس دیگر شد ؟ خیر در مقابلش هم ممکن بود اگر میخواستیم اسکناس می گرفتیم به عنوان قرض برای اینکه اگر شما پنج تادوقرانی ببرید يك تومان بشما میدهد ما اگر از بانک اسکناسی می گرفتیم در مقابلش فلز میدادیم اگر این طور بود لایحه می گذارند بم و مطابق آن قانون دولت حق داشت وفقی که انتقال داد به آنجا بیاید و در مقابلش هم اسکناس بگیرد و جزء حسابش بیاورد که بگوید طلای خودم را گذاشتم آنجا ولی این کار را نکرد یا از عوائد جاری خودش خرج میکرد یا مطابق قانون می آمد اینجا اعتبار میکرد مثل اینکه چند مرتبه کرد تا حسابش روشن باشد امروز فرض بفرمایید مالک آن تغییر میکنند تا دیروز مال بنده بود امروز مال يك کسی دیگر است شما فرض کنید که يك امانتی در يك جائی دارید آن امانتی را انتقال میدهند تا دیروز مال شما بود امروز مال کس دیگر شده آیا این امانت حالا که مالکش تغییر کرده در وضعیت آن امانت هم تغییری حاصل میشود ؟ (خیر) شما

اگر بنا شد فرضاً يك مقدار گندم پیش کسی امانت داشته باشید بعد بیائید و معامله کنید آن مقدار گندم را با يك کس دیگر وضعیت گندم که تغییر نمیکند الا اینکه این امانت مال شخص دوم میشود تا بحال مال شما بود بعد از این مال او خواهد شد اگر فرض کنیم ملکی داشتید وثیقه گذاشته بودید بعد بغیر دادید شما مالکیت خودتان را بغیر دادید و الا وضعیت ملك که تغییری نمیکند مایک مقدار طلائی در ذخیره داشتیم بعنوان اینکه مال دولت است مالک این میشود دولت اگر میخواست استفاده کند از این مطابق هر فردی چه میکرد ؟ این را مطابق معمول می برد و در مقابلش اسکناس می گیرد حالا بانک هر مقداری که خواست استفاده کند ولی البته این در مقابلش اسکناس میگیرد از آن صندوق جدا گانه که عبارتست از قسمت اسکناس در بانک که حسابها شان علیحده است که يك حساب اسکناس است و يك حساب بانک بانک سرمایه اش همانطور که شما الان میتوانید سرمایه فلزی داشته باشید ببرید بدهید اسکناس بگیرد بانک هم می تواند اگر میخواهد از این سرمایه فلزیش استفاده کند تا دیروز بانک نمی توانست دولت می توانست بعد هم که اسکناس می گرفت می توانست که اسکناس را بیانک قرض بدهد و حق هم همان بود که بنده شنیدیم بکوفتی در بانک صحبت شده بود آقای مؤید احمدی هم که آنجا بودند شنیده بودند که بانک می گفت از این اعتباری که شما بمن داده اید و من استفاده نمی برم شما باید يك حق الحفظه بدهید برای اینکه من باید حفظ کنم طلای شما را برای اینکه اگر يك کسی آمد و يك امانتی گذارد نزد من وفقی که ازش استفاده نمیکنم حق الحفظه می خواهم عرض کنم که امروز که ما آمدیم و این وضعیت را از این حیث تغییر دادیم که مالک این جنس تغییر کرد چه ربطی بمسئله ذخیره دارد اینکه آقایان توضیح خواستند بنده اصلاً نمی دانم که کدام قسمت از مسئله را توضیح بدهم بنده عرض میکنم و يك قانونی معین کرده است که هر

مقدار از اسکناس که منتشر میشود بانک بمیزان معینی باید ذخیره داشته باشد تا دیروز بنده از برای این قسمت از فلز یعنی طلائی که متعلق بدولت بود حق داشتم اسکناس بگیرم امروز که این قانون گذشت و بعد هم دستخط همایونی دنبالش گذاشته شد و تصویب شد از آن روز دیگر ما مالک نیستیم و بانک مالک است حالا کار ندارم که تمام بانک متعلق بدولت است ولی این مانعی ندارد که تمام مقررات راجع بذخیره سر جایش باشد. اصلاً آقایان بنده اینطور می فهمم که همه اشتباه در يك جا است آن روزی که دولت آمد و گفت که من این طلا را به ذخیره اسکناس میگذارم اینطور تصور شد که دولت این سی و چند میلیون تومان پول نقد ذخیره را که افراد هم آورده بودند آنجا هست و بعد هم يك روز اگر شد تقسیم میکنیم بین مردم مگر قرار این جور بود ؟! آخر بخشش که نمیخواستیم بکنم !! مال من بود گذاشته بودم آنجا. حالا میگویم مال بانک همان استفاده که مالک آن روز ازش می توانست بکند این مالک امروز هم میتواند بکند هر استفاده که مالک قبلی میتوانست از این بکند مالک امروزش میکند هر قراریکه راجع به ذخیره اسکناس قبلاً بنا بود بشود در این مورد بعداً هم می شود و اینکه توضیح میخواهند و حق یکی از آقایان میگفت که يك کسی پرسیده است که اگر بنا باشد که دولت طلای خودش را به بانک بدهد ذخیره اسکناس چه خواهد شد بنده هم اصلاً این را نمی فهمم آقا ذخیره اسکناس به تناسب اسکناسی است که در جریان می افتد درست است ؟ بیش از آن که نیست خوب اگر بنا باشد اسکناس را بنده امروز احتیاج داشتم من میرفتم باعتبار این طلا اسکناس می گرفتیم امروز بانک احتیاج داشته باشد او این سرمایه اش می شود ذخیره اسکناس یعنی چه ؟ مگر ما گفتیم که ذخیره اسکناس باید کمتر باشد شما که خودتان که می بینید که ما آمدیم از يك مبلغ معینی صرف نظر کردیم برای اینکه ذخیره اسکناس را بيك نرخ قانونی ثابت نگاه بداریم بانک امسال در بیاناتش که منتشر می کرد

از بابت سال ۱۳۱۳ چند میلیون منافع داشت که بایست بما بدهد ما از يك نفعی که می توانستیم بگیریم و حتی در آن قسمتی که راجع بخرید طلا در داخله ایران بود و بموجب قانون حق داشتیم بهمان نرخ که طلا را خریدیم ولو بیش از نرخ قانونی بود بحساب ذخیره بگذاریم ولی برای اینکه این ترتیب پیش نیاید و برای اینکه نرخ طلا هر متقال آن يك قیمت و يك جور نباشد یعنی يك متقال به نرخ قانونی يك متقال دیگر از قرار نرخ امروز متقال دیگرش به نرخ روز قبل اینطور نباشد آمدیم گفتیم که همان نرخ قانونی را در نظر بگیرد شما که چندین میلیون تومان بماند ما از يك مقدار زیادی صرف نظر می کنیم پس دولتی که این اندازه متوجه باین است که باوجود يك قانونی که در دست داشت و قانون هم بمصلحت وضع شده بود والا این طلاهایی که دولت خریده بود در داخله قاچاق میشد و از دست رفته بود ولی دولت که اجازه داشت نرخ امروز طلای خودش را بحساب سرمایه بانك بگذارد این عمل را نکرد و نرخ قانونی آن را آورد بحساب سرمایه بانك گذارد و از يك مبلغی که میتواند استفاده کند و عایدانی اضافه کند برای خودش و کمکی بگیرد از برای بودجه اش از همه اینها صرف نظر کرده است از برای اعتبار بانك که اعتبار خودش است آنوقت از يك همچو دولتی می سؤال کردن می توضیح خواستن که خوب آقا اگر طلا بماند را از آنجا برداشتید ذخیره اسکناس چه می شود عرض کنم که آقا ذخیره اسکناس به تناسب اسکناس است اگر کمتر بود آن تناسب و بهم بخواهد بخورد البته شما حق داشتید این سؤال را بفرمائید ولی تناسب که بهم نخورده است وضعیت همانست که هست قانون هم همان است که هست

رئیس - آقای دکتر طاهری

(اظهار شد مذاکرات کافی است)

رئیس - رای میگیریم به کفایت مذاکرات آقایانیکه موافقند قیام فرمایند

(آنگاه برخاستند)

قانونی همان طلا ذخیره اسکناس شود تا اینکه هر استفاده بخواهد بانك ازش بکند. اگر ذخیره اسکناس است باز فرقی نمیکند فقط مال دولت بود و ذخیره دولت بود حالا مال بانك میشود و ذخیره میشود در قانون جدید باید نوشته شود که این مبلغ چند خروار طلا که ذخیره بانك بود و مطابق آن قانون مال دولت بود این منتقل میشود به بانك که اینجا باید وضعیت تغییر کند یعنی همان جور که ذخیره اسکناس بوده است حالا هم باشد و اگر مقصود اینستکه ذخیره زیادی بود و پولی بود که دولت بوجه اسم ذخیره اسکناس گذاشته بود و حالا میخواهد بدهد بذخیره بانك که هر کارش میخواهد بکند بکند توضیح بدهند صریحاً نه امروز بلکه از روی صورت که تاکنون چقدر اسکناس در جریان است و مطابق آن چقدر ذخیره محسوس که باید صد در صد باشد چقدر باید باشد و مطابق آن توضیحی که آقای فرشی آن روز فرمودند صدی شصت و هفت فرمودند در صورتیکه اگر اینهم جزوش باشد و بخواهند از آن ذخیره بردارند این خودش اسباب تزلزل میشود من میدانم این نیست ولی این قوانین که اینطور نوشته میشود و مذاکره میشود یا رویش توضیح داده شود و اسباب علاقه و تقویت امور مالی هست بنده عقیده دارم و تقاضا دارم که آقای وزیر مالیه این جا توضیح بدهند که این ذخیره که بموجب قانون بیستم شهریور پنجاه و چند خروار طلای فعلی ذخیره اسکناس بوده و حالا منتقل میشود بسرمایه و ذخیره بانك این بهمان حالت ذخیره باقی میماند یا اینکه این قید از آن برداشته میشود یعنی آن قانون لغو میشود. آنگاه ذخیره با اینکه بهالت ذخیره باقی میماند دیگر اینکه اصولاً مقدار اسکناس منتشره و مقدار سرمایه که مطابق قانون خود اسکناس که باید صد در صد ذخیره داشته باشد اعم از اسعار مسكوك مبلغش را در مجلس صریحاً همین بفرمائید که باطالع عامه برسد که ما فلان مبلغ ذخیره اسکناس داریم فلان مبلغ هم اسکناس در انتشار داریم این مبلغ هم ذخیره داریم که کاملاً همه مردم مسبور باشند.

وزیر مالیه - بنده تعجب میکنم از آقای دکتر طاهری برای اینکه ایشان يك شخص ورزیده هستند باید وقتی که يك سؤالاتی میکنند طوری نباشد که افکار مردم را خراب بکند و بدبختانه سؤالات ایشان طوری بود که اگر توضیحات کافی ندهم ممکن است افکار مردم را خراب کند مشوب کند (دکتر طاهری - خوب روشن کنید) اجازه بدهید بنده قطع نظر از اینکه دو ساعت در کمیسیون توضیح دادم مطلب همه محرمانه نبوده است ولی معذرتاً خلاصه اش را اینجا بگویم و آقایان هم شنیدند اگر این سؤالات را بنده درست و خیلی روشن بشما جواب ندهم مثل این است که يك مطلبی در اینجا بوده است که توضیح داده نشده است. میگویند بنابر توضیحی که آن روز نماینده مجلس شورای ملی که در هیئت نظارت ذخیره اسکناس هستند در مجلس داد (۶۷) درصد شما ذخیره دارید مگر این سؤال را در کمیسیون نکردید مگر بشما جواب نداده بودند چرا این حرف را اینجا دو مرتبه تکرار میکنید و در مجلس میزنید آقا! آقا چرا يك حرفی را که دیدید اشتباه بوده است که اگر بنده نیایم در اینجا و يك توضیحاتی ندهم اسباب اختلال اذهان مردم میشود اگر یادداشت نکنم و جواب ندهم يك سوء تفاهمی میشود برای اشخاص (دکتر طاهری - بنده برای اینکه سوء تفاهم نشود توضیح خواستم) ضرورتی نداشت همان روز هم بنده اینجا توضیح دادم و همانوقت که آقای فرشی اینجا توضیح میدادند يك یادداشتی دادم که اولاً آقایان راپورت مال چندماه پیش بوده است و ثانیاً این مبلغ مال ذخیره را که اسکناس است ثالثاً چون بالاخره اسکناس يك مقدار از این نقره و مسكوك را که است و يك مقدارش در تمام صندوقهای بانك است ما در پنج نقطه از مملکت ذخیره داریم در تبریز - کرمانشاه اساسش در طهران است در ولایات البته نقره مسكوك است و فلزات نیست ولی در طهران فلزات و نقره مسكوك است و در تمام ولایات در هر صندوقش يك مقدار پول نقره در دستشان باید باشد چون باید داد و

ستد بکنند پس وقتی که ما حساب ذخیره را میکنیم اولاً کل را میگیریم (صحیح است) نه آنچه که در تحت کلید است آقا آنچه که در دست بانک میاید و تحویل میدهند اگر آن قسمت را بگیریم که حساب درست نمیاید من بکمقدار اسکناس منتشر کردم بیست ملیونش را میگذارم تحت کلید ده ملیون دیگر هم در دستم هست و متصل در جریات است اسکناس میاوریم عوض میکنیم دو مرتبه میدهیم و دو مرتبه عوض میکنیم بنده اگر بنا باشد بیست ملیون بگذارم تحت کلید ده ملیون هم احتیاطاً تحت کلید بکمقدار هم اینجا باشد که هر کس بیاید خرد کند پس بنده باید بیش از صد در صد هم ذخیره داشته باشم اینکه نمیشود در همان جلسه هم بنده یاد داشت دادم به آقای فرشی ولی دیر رسید گفتم آن آن مقداری که گفتید مقصود ذخیره را کد بوده است و ما الان بیش از سی و هشت ملیون هم ذخیره مسکوک داریم بیش از سی و هشت ملیون ریال ذخیره مسکوک در دست بانک داریم و بنابر این وقتی که شما حساب کنید نگاه کنید بمیزان همین ذخیره مسکوک یعنی نقره سکه زده که عبارت از بقرانی باشد و دو قرانی و پنجقرانی موجود می باشد. این دیگر مطلب روشن شد یا باز يك سوآلی میخواهید بکنید؟ این مقدار در دست بانک آلان هست اگر این را مقایسه کنید با میزان اسکناسی که در جریان است این علاوه بر مقداری است که باید باشد و صد در صد اسکناسهایی است که در جریان است حالی شدید؟ یا اینکه باز دوباره توضیح داده شود این ذخیره مسکوک غیر از مسئله طلاست و غیر از طلای دولت است اینکه گفته شده بود پس چه فرق میکند در کیسیون هم گفتم طلائی را که الان دولت می دهد بعنوان سرمایه بانک با طلائی که بعنوان ذخیره گذاشته بود این غیر از آن حسابی بود که گفتیم برای اینکه وقتی که آقایان بحساب رسیدگی می کنند آملی که بحساب برده شده رسیدگی میکنند طلائی را که بانک خریده است بیش از نرخ قانونی مگر الان عرض نکردم که این را بحساب بردیم تا امروز و

حالا می خواهیم بحساب ببریم گرانتر خریده بودیم میخواهیم کمتر حساب کنیم و هنوز بحساب برده نشده است طلای دولت وقتی میباید بحساب برده شود که ما هر مقابلش اسکناس گرفته باشیم آخر آنرا که گذاشتیم آنجا بآن محوطه که بخشیدیم بآن صندوقخانه بانک که ندادیم اعطا نشده بود مال دولت بود گذاشته بود آنجا یعنی چه که انتقال میدهد بذخیره یعنی این که دولت آن طلا را بگذارد آنجا و معادل آن اسکناس بگیرد. اما راجع به رقم قطعی اسکناس که الان در جریان است و نسبتش بذخیره مسکوک بنده در جلسه دیگری که در مجلس میآیم میتوانم عرض کنم آقایان هیئت نظاری هم که جدیداً انتخاب شده اند رسیدگی میکنند و بعد هم در جریات منتشر میشود آقایان هم میخوانند و مطلع میشوند و بعلاوه ممکن است در جلسه دیگر که بنده میآیم در ضمن توضیح بدهم این را هم عرض کنم که ارقام يك ارقامی نیست که بنده بتوانم به عنوان رسمی اینجا بگویم و از حافظه بگویم فقط چیزی که میتوانم بگویم این است که آن مقدار پول مسکوک که در دسترس بانک است آنرا اگر حساب کنیم نسبت به اسکناس هایی که در جریات است بیشتر است و این علاوه میشود بر آن (صحیح است) و این طلائی که خود بانک خریده است و هنوز بحساب نگذاشته است وقتی که سؤال می شود که این طلا هم جزء ذخیره است یا نه خیلی اسباب تأسف است که دو ساعت بنده نفس زدم از برای آقایان تشریح کردم که ذخیره اسکناس یعنی چه ذخیره یعنی چه ذخیره اسکناس مادامی که اسکناس انتشار ندهد هیچ معنی ندارد و موضوعی ندارد ذخیره یعنی که شما هر چه اسکناس انتشار دهید در مقابل آن مطابق آنچه که قانون معین کرده است از این طرف بر دارید و طرف دیگر بگذارید يك صندوقی درست کنید يك حساب علیحده هم از برایش درست کنید آنوقت بگوئید که هزار تومان اسکناس امروز بیرون دادم این مبلغ فلز هم در مقابلش آیا ذخیره غیر از این چیز دیگری هست آیا اسکناس که

هنوز بجریان نیامده باید ذخیره از برایش گذاشت (دکتر طاهری - قانونش را آوردید) قانون را آوردیم و گفتیم که می گذاریم ولی گفتیم که می بخشیم؟ خیر گفتیم که حق داریم که در ذخیره بگذاریم و در مقابلش از اسکناس بگیریم بخشش که نمی کردیم می گذاشتیم طلا را در آن جا در مقابلش هم حق داشتیم مثل هر فردی از اسکناس بگیریم البته نظرش این بوده دولت که بیاید و طلاهایش را آنجا بگذارد و به بودجه نیارود نظر این نبود. این اسکناس تا چند ماه دیگر طول دارد که چاپ بشود آنچه که اجازه گرفتیم این بود که آن اسکناسهایی را که اجازه گرفتیم انتشار بدهیم حق خواهیم داشت که انتشار بدهیم و در مقابلش این را ذخیره بگذاریم و بموجب آن قانون وقتی که این را گذاریم در ذخیره حق خواهیم داشت که اسکناس بگیریم و اسکناس هم اگر می گرفتیم با بانک قرار می گذاشتیم که از این اسکناس شما میتوانی يك سرمایه داشته باشید در مقابل این ذخیره که بتوانید از آن اسکناس استفاده کنید حالا آمدم این طور خیال کردیم که اصلاً این طلای خود مان را ما برداریم بدهیم ببانک و بانک سرمایه بکنند حالا اگر بانک خواست از این طلا استفاده ذخیره بکند یعنی بمباره اخری خواست که اسکناس بگیرد پس بایستی بگذارد در ذخیره اسکناس و اسکناس بگیرد این مال خودش است دیگر و مال بنده نیست مال وزارت معالیه نیست مال دولت نیست اگر نخواست دلیلی ندارد که بگذارد در ذخیره برای این که در آن حدی که اسکناس جریان داده است ذخیره دارد حالا علاوه بر آن چند خرور طلا هم آنجا بگذارد برای چه؟ ولی آنچه که عملاً خواهد شد این است که بانک هم البته از این يك استفاده خواهد کرد. تا حدی استفاده خواهد کرد ولی نه معادل همه اش مگر این که چند سالی بگذرد و میزان پولی که در مملکت باید بجریان بیفتد خیلی خیلی بیش از حد امروز باشد

و آنوقت مجبور شود که همه این طلا را در ذخیره بگذارد چون اجازه انتشار غیر انتشار است بانک همیشه در نظر می گیرد آن مقدار اسکناس را که بطور کلی در دسترس همه است با وضعیت اقتصادی آیا مناسب است یا خیر اگر زیاد باشد البته جلوگیری میکند و کم بیرون می دهد اگر کم باشد آنوقت بیشتر در جریان میگذارد در عین که این ذخیره دارد و مربوط بآن هم نیست اگر شما صد درصد یا پنجاه درصد از برای اسکناس ذخیره بگذارید ولی بیش از آن مقدار که لازم است برای يك وضعیت اقتصادی در يك تاریخ معین اگر شما پول و اسکناس بیرون بدهید ولو اینکه ذخیره شما صد در صد و پنجاه در صد هم باشد باز قیمت پول پائین می آید و قیمت اشیاء بالا می رود حالا البته آقایان می دانند و مناسب هم نیست که بنده بیایم اینجا و يك اصلی از علم اقتصاد را بخوام این جا عرض کنم که چطور مقدار پول متناسب با قیمت اشیاء است و زیاد شدن و کم شدن پول در قیمت اجناس چه تأثیری دارد اگر میزان پول در يك مملکتی در يك موقعی در جریان است بیش از میزانی باشد که از نقطه نظر قواعد اقتصادی صلاح است در جریان باشد چطور قیمت اشیاء بالا می رود و البته بانک اینها را رعایت میکند و باین دلیل است که بنده عرض میکنم تا چند سال دیگر بانک قطعاً نمی آید از تمام این پول استفاده ذخیره بکند میگویند پس چکار خواهد کرد؟ هیچ نگاه میدارد چه استفاده از طلا میشود کرد یا این است که در ذخیره میگذارد و اسکناس میگیرد این کار را گفتیم که تا لازم نباشد نخواهد کرد یا اینکه ببرد بگذارد در خارج و قرض کند یا در داخله بفروشد هیچکدام از این حقوق که با ببرد بفروشد و قرض کند یا تبدیل کند اینها بیش نخواهد آمد برای این که هیچکدام از اینها را دولت محتاج نیست بالاخره فقط استفاده که میتواند بکند همان استفاده است که بالاخره آلان صحبت شد همان است که هر وقت لازم بود در ذخیره بگذارد و اسکناس منتشر کند در حدود احتیاجات مملکت

و در حدودی که در آن تاریخ مطابق وضعیت اقتصادی ما باسقی اسکناس در جریان باشد این مقداری که الان در جریان هست اگر کافی بود که هیچ این طلا باقی میماند اگر خواست که اسکناس منتشر کند در ذخیره میگذارد با این توضیحات اگر آقایان باز دلشان میخواهد توضیحی داده شود. بنده را که آقایان میشناسند مکرر در خدمتتان بودم اهل توضیح دادن و دفاع کردن و همه اینها هستم اگر در این چند سال این تجربه را نداشتم عیبی نداشت ولی البته خیلی بی التفانی است و بنده انتظار دارم که مسائلی که اگر بنا باشد که يك اشاره شد و ممکن است که من ملتفت نشوم و این را توضیح ندهم اسباب سوء تفاهم بشود در نظر گرفته شود باز تکرار میکنم که آقایان از صد در صد از مبلغ اسکناس که در جریان است يك قرانی و دو قرانی و پنج قرانی هست اگر این را نمیگفتم آنوقت ممکن بود که کسانی که در خارج هستند بر ایشان سوء تفاهم بشود این سؤالی که ایشان فرمودند ممکن بود اشکال دیگری تولید کند حالا در هر صورت با ایشان تندی کردند یا بنده مطلب را بیش از این ادامه نمیدهم و اگر باز هم توضیحی میخواهند بنده میدهم.

رئیس - به ماده اول رأی گرفته میشود آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب قیام فرمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم.

ماده دوم - مواد ۲ و ۳ و ۴ (باستثنای تبصره ماده ۴) و ۷ و ۹ و ۱۳ و ۱۴ قانون اجازه تأسیس بانک ایران مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ نسخ میشود.

رئیس - آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری - در ماده دوم آنجا که نوشته است مواد ۲ و ۳ و ۷ و ۹ و ۱۳ و ۱۴ قانون لغو میشود ماده ۷ آن قانون قبلاً لغو شده است از اینجهت در اینجا تذکرش

(اخذ و شماره آراء بعمل آمده ۱۲۲ ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده در موقع رای ۱۲۳ نفر با اتفاق تصویب

شد برای اینکه بنده رای نمیدهم *

[۳ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آتیه روز شنبه ۲۱ تیر سه ساعت قبل از ظهر دستور قانون و کلا.

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

دیگر لازم نیست
وزیر مالیه - این تذکر در کمیسیون داده شد بنده هم موافقم فقط برای اینکه تغییر نکنند قرار شد که اینجا پیشنهاد شود و قبول شود.

رئیس - رأی گرفته میشود بماده ۲ آقایانیکه موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم:

ماده سوم - این قانون پس از تصویب مجلس شورای ملی

بموقع اجرا گذاشته میشود

اعتبار (مخبر کمیسیون) - اینجا يك اصلاح عبارتی بود که لازم بود عرض شود در آنجا که نوشته شده است پس از تصویب مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذاشته می شود. (مجلس شورای ملی) لازم نیست چون مقصود از تصویب تصویب مجلس شورای ملی است.

رئیس - نظر آقای وزیر مالیه چیست؟

وزیر مالیه - صحیح است معمول هم همین است.

رئیس - آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری - بنده عقیده ام اینست که اگر آقای

وزیر مالیه موافقت فرمایند با توضیحاتی که دادند نوشته شود ماده ۳ قانون بیستم شهریور هم لغو میشود.

وزیر مالیه - بنظر بنده ضرورتی ندارد چون آن

توضیحاتی که بنده دادم کافی بود و بعلاوه آن قانونی بود که بعد آمده است.

رئیس - رأی میگیریم بماده سوم موافقین قیام فرمایند

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات است.

مخالفی نیست. رأی میگیریم بمجموع مواد باورقه آقایانیکه موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد.

* اسامی رای دهندگان - آقایان: میرزا محمد خان وکیل - مسعودی - حاج میرزا حسین خان فاطمی - اسکندری - امدی - دکتر قاسمخان اهری - رفیعی - دکتر احتشام - نقابت - دکتر جوان - ساکینان - دبیر سهرابی - محسن آقا مهدوی - مولوی - میرزا علیخان وکیل امین - شجاع جعفروند - احتشام زاده - مصباح فاطمی - انوشیروانی - طباطبائی دیبا - دکتر سیمی - مؤید احمدی - پالری - روحی - دهستانی - لاریجانی - کاشف - مصدق جهانشاهی - اردبیلی - رضوی - شهابنگ - دادور - ابراهیم سیمی - مسعودی خراسانی - خواجه نوری - میرزائی - طالشخان - منتظم سنک - احتشام زاده - دکتر قول ایغ - دکتر ادهم - ارگانی - دکتر سنک - ملک مدنی - فرشی - نوبخت - چرخانی آزادی - لیقوانی - کالی - هزارجریبی - حیدری - ایزدی - فروزی - صفاری - محیط لاریجانی - دربانی - فتوحی - صفوی - دکتر لقمان - کفائی - خواجهوی - سرآت اسفندیاری - دستانی - دکتر ملک زاده - بیات - جلائی - پناهی - اعتبار - مزدهی - رهبری - مجد ضیائی - امیر نیرومند - نائینی - آقا سید کاظم یزدی - صادقی - حمزه ناش - جمشیدی - ملک زاده آملی - صدیق - طباطبائی بروجردی - سلطانی شیخ الاسلامی - دکتر فنی - حاج محمد رضا بهبهانی - نریز - هراز - آصف افندی - منتضی - مقدم - منصف - نراقی - شاهرودی - دکتر ضیاء الله الاسلامی - نصر الله هدایت - قزوینی افشار - وثوق - دکتر طاهری طهرانچی - حبیبی - هدایت - دولتشاهی - ابراهیمی ریگی - پارسا - اورنگ - کازرونیان - ملایری - طلی مؤید - گودرزی علوی سبزواری - امیر ابراهیمی - حاج فلاحت حسین ملک - نیک پور - مخبر فرهمند - علوی - میرزا موسی خان سرآت - نواب یزدی - اقبال - ناصر

قانون

افزایش سرمایه بانک ملی ایران

ماده اول - سرمایه بانک ملی ایران به سیصد میلیون ریال ترقی داده میشود که هفتاد و پنج و یک سوم در صد آن بقرار ذیل محسوب و پرداخته خواهد شد .

الف - هشت میلیون ریال که سابقاً تأدیة شده است .

ب - دویست و شانزده میلیون و هشتصد و شش هزار و چهار صد و سی و پنج ریال و بیست و پنج دینار (۲۵۰۲۵۰۶۴۳۰۶۸۰۲۱۶۸۰ ریال) از بابت قیمت یازده میلیون و هشتصد و هفتاد و پنجمزار و سیصد و نود و پنج گرام و سیصد و نود و پنج گرام (۱۰۸۷۰۳۹۰۳۹۰ گرام) طلای خالص دولت (موضوع قانون ۲۰ شهریور ۱۳۱۳) بشرح قانون ۲۲ اسفند ماه ۱۳۱۰ .

ج - یک میلیون و یکصد و نود و سه هزار و پانصد و شصت و چهار ریال و هفتاد و پنج دینار (۱۱۹۴۰۶۴۷۵ ریال) از محل منافع خالص بانک ملی از بدو تأسیس آن که در ظرف چند سال بدولت تعلق گرفته و بموجب ماده چهارم قانون مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ برای افزایش سرمایه تخصیص داده شده بود .

ماده دوم - مواد ۲ - ۳ - ۴ (باستثنای تبصره ماده ۴) و ۹ و ۱۳ و ۱۴ قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ نسخ میشود .

ماده سوم - این قانون پس از تصویب بوقوع اجراء گذاشته میشود .

این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه هفدهم تیر ماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری